



است داشتن امکانات فردی مثل اتاق خواب جدا موضوعیت ندارد و زن‌ها نمی‌توانند رفت و آمد تنها داشته باشند. کسی جرات بیان انتقادات به تشکیلات را نداشت و بسیاری از زنان مورد آزار جسمانی قرار می‌گرفتند. بهره برداری جنسی برای شخص سرکرده فرقه یعنی مسعود رجوی انجام می‌گرفت. فرقه منافقین نسبت به اعضای آن رفتار عجیبی داشت و اجازه تردد به اماکن شهری و عمومی را نمی‌داد. اعضای گروهک ابتدا در مقری در فرانسه محبوس بودند و متعاقباً، این گروهک در قرارگاه اشرف در عراق اسکان داده شد و هیچ یک از اعضا امکان خروج از آن را نداشتند و در اردوگاه اشرف محبوس بودند. به گزارش دیده بان حقوق بشر، این گروهک از سه نوع زندان استفاده می‌کند. نوع اول واحدهای کوچک هستند که به مهمانسرا مشهورند. نوع دوم حبس در داخل کمپ به نام حبس بنگال و نوع سوم آن حبس‌هایی بود که زنان شکنجه‌های فیزیکی می‌شدند. زدن با کابل، داغ کردن با هوویه، کتک زدن و ... از جمله شکنجه‌هایی است که قربانیان این گروهک که از شکات پرونده هستند متحمل شدند. یکی از اعضا که کلمه مادر را روی بازوی خود خالکوبی کرده بود مجبور شده با هوویه داغ این کلمه را از روی دست خود پاک کند. اجبار به همجواری با مسعود رجوی، بریدن اعضای بدن، کتک زدن شدید و پرت کردن فرد روی خرده شیشه داغ، بخشی از شکنجه‌هایی است که قربانیان این گروهک و شکات متحمل شدند و سبب خسارات روحی و معنوی به خواهان شده است.

وی با اشاره به اینکه طلاق اجباری یکی از مکانیزم‌های گروهک منافقین بوده است گفت:

کلیه اعضای گروهک به جز سرکرده آن مجبور به طلاق از همسران خود شده‌اند و حق فکر کردن به زن یا مردی را نیز نداشتند و اگر فرزند داشتند فرزندشان را از آن‌ها جدا می‌کردند و برای تربیت به افرادی می‌سپردند و امکان ملاقات نیز وجود نداشت؛ موکلین بعد از آزادی از زندان خسارات روحی و روانی جبران‌ناپذیری را متحمل شدند. بتول سلطانی در خاطرات خود گفته است که مسعود رجوی چگونه او و چند زن دیگر را مجبور می‌کند که به عقد او درآیند و با او همجواری کنند. اعضای منافقین مکلف به ۱۴ ساعت کار اجباری اعم از کشاورزی، ترابری، شکنجه‌گری و ... در روز برای غذای ناچیزی بودند؛ در بسیاری از مواقع کارهایی که توسط اعضا انجام می‌شد بی‌فایده بود و برای این بود که شخص بیکار نباشد. خواهان‌های این پرونده افرادی هستند که سال‌ها مورد این آسیب و لطمات قرار گرفتند و لذا تعیین غرامت مالی هیچوقت نمی‌تواند عمری که از این افراد از دست رفت را برگرداند. بر اساس اعلامیه حقوق بشر همه افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و هرکس حق دارد تا از زندگی، آزادی و امنیت شخصی خویش برخوردار باشد و کسی را نمی‌توان به بردگی گرفت و شکنجه کرد. با توجه به اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد و با توجه به اینکه این حقوق از شان ذاتی انسان نشأت گرفته است و با عنایت به مراتب فوق و قاعده بنیادین مسئولیت مدنی مراتب صدور حکم وفق خواسته، مورد استدعا است.

قاضی پورمریدی عنوان کرد:

تلاشمان این است که صحبت همه افراد را بشنویم و اگر امروز فرصت نشد فردا دادگاه را ادامه خواهیم داد. اقدام شما و موکلان در طرح دادخواست به صورت داوطلبانه قابل تقدیر است و درب دادگستری به روی افراد دیگر نیز باز است و افشا کردن و گفتن جنایات اثرگذار خواهد بود. می‌دانیم که خیلی از افراد در ایران نیستند و حتی حق تماس تلفنی و یا ملاقات با خانواده خود را ندارند، لذا دادخواست این افراد را نیز می‌پذیریم. خطاب ما دادگاه‌های بین‌المللی، دادگاه‌های فرانسه و کشور آلبانی است؛ چراکه حق این اشخاص است که بخواهند به شکایتشان رسیدگی شود و سازمان‌های بین‌المللی باید احساس مسئولیت بیشتری از خود نشان دهند.

وی در ادامه از **سازمان ملل متحد** **سازمان حقوق بشر** **سازمان بهداشت جهانی** **سازمان حقوق زنان** **سازمان حقوق کودکان** **سازمان حقوق معلولان** **سازمان حقوق معلولان** **سازمان حقوق معلولان** خواست تا جهت ارائه توضیحات در جایگاه قرار گیرد.

درویشی گفت:

حدود ۶۲ سال دارم، شخصاً در سال ۷۰ به گروهک پیوستم؛ زمانی که وارد مقر گروهک در اشرف شدم احساسم این بود که در یک رویا، میعادگاه و دنیای صداقت وارد شدم اما بعد از حدود یک سال‌ونیم با شناخت عمیقی که در درون تشکیلات در آنجا برای ما عینی شد، متوجه شوم که اشتباه کرده‌ام. در سال ۷۳ به مدت ۴ ماه در زندان قلعه اشرف در خیابان ۴۰۰ و در یک سلول یک‌ونیم متری زندانی بودم، من نمی‌توانم از گروهک بگذرم چرا که در حال حاضر فقط روح من اینجاست و حرف می‌زند و جسمی از من باقی نمانده است؛ به دلیل مکانیزم‌هایی که به روح و جسم من وارد کرده‌اند؛ کاملاً از لحاظ روحی و جسمی آسیب دیده‌ام و آن ۴ ماه در زندان با شکنجه‌های مختلف سر کردم که آثار آن در دست‌ها و سرم مشهود است. در زندان با انبردست و کابل شکنجه شدم و با دمپایی خیس به سر و صورت من می‌زدند تا ورم کند و من را از پا آویزان می‌کردند، چون نمی‌خواستیم آنجا باشیم. در آنجا فقط من شکنجه نشدم بلکه کسانی در آنجا کشته شدند؛ گناه ما این بود که می‌گفتیم آنچه شما می‌گویید قبول نداریم. ما استثمار شده بودیم و اصول و فکر چیزی بود که به ما دیکته می‌شد و به صورت روزانه باید شستشوی مغزی می‌شدیم و نمی‌توانستیم به زن، بچه، پدر و مادر خود فکر کنیم؛ گناه من این بود که دلبسته شده بودم.

قاضی پورمریدی از درویشی پرسید:

تا چه زمانی عضو گروهک بودید؟

درویشی پاسخ داد: تا سال ۷۰ عضو بودم و قبل آن نیز گرایش داشتم. در آن زمان متأهل بودم و همسرم در ایران بود و ۴ بچه داشتم که از من اطلاعی نداشتند که در زندانی به نام زندان اشرف زندگی می‌کنم که هیچگونه ارتباطی با دنیای خارج نداشت. زمانی که خواستم فرار کنم گوشی موبایل برای من تازگی داشت. در آن مدت انگار در غار زندگی می‌کردم و عاطفه و انسانیت از ما گرفته شده بود.



□□□□□□□□□□ یکی دیگر از شکات پرونده گفت:

سال ۸۰ به نیت رفتن به اروپا به ترکیه رفتم و در آنجا با چند نفر رفیق شدم که گفتند من را به اروپا می‌فرستند. به همین دلیل به عراق رفتیم، گفتند باید چند وقت در اردوگاه اشراف بمانم تا بتوانم بروم و در نهایت در سال ۹۴ توانستم از آنجا فرار کنم. شکنجه‌های روحی که فرقه رجوی می‌دهد از شکنجه جسمی بدتر است. در سال ۹۰ درگیری رخ داد که نزدیک ۹۲ روز اعتصاب غذای اجباری گذاشتند، بهانه آن‌ها این بود که از این طریق بتوانند به اروپا بروند. از ساعت ۵ صبح تا زمان خواب، فرصت فکر کردن نداشتیم، آنجا اردوگاه کار اجباری بود. برای اولین بار در سال ۹۲ اپتومتری دیدم و به خاطر آن ۲۰ روز در زندان بنگال بودم. احمد واقفی من را تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار داد. بهترین دوران جوانی‌ام را پای این فرقه شیطانی گذاشتم و اکنون زجر آن را می‌کنم. از احمد واقفی و تک تک آن‌ها شاکه هستم. من ۷۲ ساعت بیدار بودم و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفتم؛ در سال ۸۴ پدرم فوت کرد و در سال ۹۴ فهمیدم که پدرم فوت کرده است. مادرم تا پشت درب قرارگاه اشراف آمد؛ اما ما را به جای دیگری بردند تا صدای او را نشنوم و بعداً فهمیدم که چندین بار آنجا آمده بودند اما نگذاشتند آن‌ها را ببینیم. به گفته رجوی، خانواده دشمن ما بود و زمانی که خواب می‌دیدیم و می‌آمدیم و اعلام می‌کردیم شکنجه می‌شدیم. از شما می‌خواهم مصائب و مشکلات ما را پیگیری کنید.

یکی دیگر از شکات پرونده گفت:

ما یک ذهنیت سیاه از ایران داشتیم. حدود ۱۰ سال از بهترین دوران عمرم را از دست دادم و سال ۷۵ با انگیزه‌های شخصی و اجتماعی از کشور خارج شدم و به رابطین گروهک در ترکیه وصل شدم؛ گروهک از سال ۶۴ دچار یک دگرپرسی شد و به یک فرقه تبدیل شد. در سال ۷۵ به طور غیررسمی وارد عراق شدم؛ چون ورود غیرمجاز در عراق ۸ سال زندان داشت آن‌ها ما را به طور غیررسمی وارد می‌کردند تا نتوانیم از آن‌ها جدا شویم. من با موضوع تجرد اجباری مشکل داشتم، ۷ مهر ماه سال ۷۶ من را وارد اتاقی کردند و گفتند تو نفوذی جمهوری اسلامی هستی. کتکم زدند و دست و چشم بسته در اتاق کناری انداختند تا اینکه بیهوش شدم. ۶ ماه در زندان بودم و این در حالی است که تا امروز فرقه رجوی هرگز قبول نکرده زندان داشته؛ اما نزدیک به ۱۵ زندان در عراق داشت و من ۶ ماه خورشید را ندیدم و حق صحبت نداشتیم. چهره اصلی گروهک را در زندان‌هایش می‌توان دید. فرقه بیش از ۷۰ درصد اعضا را به انجای مختلف در زندان‌های خودش زندانی کرده است. در ژوئن سال ۲۰۰۴ از اردوگاه خارج شدم و در زندان آمریکایی‌ها بودم و پس از آن با عفو مقام معظم رهبری به ایران آمدم، اما دنیا خبردار نشد که در اشراف به ما چه گذشت. از تمامی وجدان‌های بیدار می‌خواهم در این مسیر ما را یاری کنند و تقاضای محکومیت این فرقه را دارم.

□□□□□□□□□□ یکی از شکات گفت:

سال ۵۹ به اسارت نیروهای سودانی تحت امر عراق درآمد و پس از آن به فرقه منحوس پیوستم. در سال ۸۸ پا به فرار گذاشتم و به ایران آمدم. زیبایی اینجا حضور نماینده قوه قضاییه است که می‌توانیم دادخواهی کنیم، ما با صداقت کامل به اردوگاه رفتیم، اما یک دروغ باعث شد که ۲۰ سال از عمرمان برود. ۱۵ ساله اسیر شدم و ۴۱ ساله به ایران آمدم. یکبار خاطره‌ای از مادرم تعریف کرده بودم که برایم گزارش رد کردند و ۳ روز به بنگال رفتم و تعهد دادم که دیگر این کار صورت نمی‌گیرد از این فشارها زیاد بود. گروهک به ما می‌گفت افرادی را از دوستانمان که می‌شناختیم اعدام شدند اما زمانی که به ایران آمدم همه را زنده پیدا کردم و در حال حاضر با هم ارتباط داریم، ما بلد نیستیم با پدر و مادرهایمان روبرو شویم. ما را کشتند و ما درون خود مردیم و کالبدی هستیم که فقط راه می‌رویم. زمانی که به ایران آمدم بعد از ۴۱ سال قیافه خانواده‌ام مطلقاً یادم نبود و زمانی که مادرم خواست روبوسی کند یک روبوسی ساده بود همه چیز ما را و حتی انسانیت ما را کشتند.

برچسب ها: [قوه قضاییه](#) [1]

[تاریخ](#) [2]

[انقلاب](#) [3]